**مصادیق وعده های الهی**

وعده به نصرت با ملائكه به مؤمنين

و ظاهرا مصداق آيه شريفه، واقعه روز بدر است، و البته اين وعده را به شرط صبر و تقوا داده و فرموده است كه:" إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا".

و اما از كلام بعضى از مفسرين ظاهر مى‏شود كه خواسته‏اند بگويند در جمله مورد بحث خداوند وعده بر نازل كردن ملائكه را داده است در صورتى كه كفار بعد از اين فوريت برگردند، و در نتيجه خواسته‏اند بگويند كه مراد از جمله" فورهم" خود روز بدر است، نه آمدن آنان در روز بدر، و همچنين اينكه از كلام بعضى ديگر بر مى‏آيد كه خواسته‏اند بگويند: آيه شريفه وعده‏اى است به نازل كردن ملائكه در ساير جنگهايى كه بعد از بدر اتفاق مى‏افتد (نظير احد و حنين و احزاب) سخنانى است كه هيچ دليلى از لفظ آيه بر آن نيست.

و اما در باره روز جنگ احد در آيات قرآنى هيچ محلى ديده نمى‏شود كه بتوان از آن استفاده كرد كه در آن روز نيز ملائكه سپاه اسلام را يارى كرده باشند، و اين خود روشن است، و اما در مورد روز احزاب و روز حنين هم هر چند در غير آيات مورد بحث آياتى است كه دلالت دارد بر نزول ملائكه، مانند آيه:" إِذْ جاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ رِيحاً وَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها"[[1]](#footnote-1) كه در باره جنگ احزاب است. و آيه:" وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ‏ ... وَ أَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْها"[[2]](#footnote-2) كه در باره جنگ حنين است، الا اين كه لفظ آيه مورد بحث كه مى‏فرمايد:" بَلى‏ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا" قاصر است از اين كه دلالت كند بر يك وعده عمومى در باره همه جنگها.

و اما نزول سه هزار ملك در روز بدر منافاتى با آيه سوره انفال ندارد، كه مى‏گويد:

" فَاسْتَجابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُرْدِفِينَ"[[3]](#footnote-3) براى اين كه كلمه" مردفين" به معناى پشت سر هم است، و آيه را چنين معنا مى‏دهد كه با چند هزار ملك كه هر هزارش دنبال هزارى ديگر باشد مدد خواهم كرد، كه توضيح اين معنا در تفسير سوره انفال آمده است.

" وَ ما جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرى‏ لَكُمْ ..." ضمير در" جعله" به امدادى كه از فعل" يمددكم" استفاده مى‏شود بر مى‏گردد، و كلمه" عند" در جمله‏" إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ"، ظرفى است كه معناى حضور را افاده مى‏كند، چون اين كلمه در آغاز در قرب و حضور مكانى كه مختص به اجسام است استعمال مى‏شده، براى اين وضع كرده‏اند كه مثلا بگويند:" كنت قائما عند الكعبه نزد كعبه ايستاده بودم" و بتدريج استعمالش توسعه يافت و در قرب زمانى نيز استعمال شد، مثلا گفتند:" رأيت فلانا عند غروب الشمس"[[4]](#footnote-4) و سپس كار به جايى رسيد كه در تمام موارد قرب و نزديك (اعم از زمانى، مكانى و معنوى) استعمال كردند مثلا گفتند" عند الامتحان يكرم الرجل او يهان"[[5]](#footnote-5).

و آنچه در اين مقام از جمله‏" وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ" با در نظر گرفتن جمله قبلش كه مى‏فرمود:" وَ ما جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرى‏ لَكُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ" استفاده مى‏شود، اين است كه: منظور از كلمه" عند" مقام ربوبى است، كه تمامى اوامر و فرامين بدان جا منتهى مى‏شود، و هيچ يك از اسباب از آن مستقل و بى نياز نيست، پس با در نظر گرفتن اين نكته، معناى آيه چنين مى‏شود: ملائكه مددرسان، در مساله مدد رساندن و يارى كردن هيچ اختيارى ندارند، بلكه آنها اسباب ظاهريه‏اى هستند كه بشارت و آرامش قلبى را براى شما مى‏آفرينند، نه اين كه راستى فتح و پيروزى شما مستند به يارى آنها باشد، و يارى آنها شما را از يارى خدا بى نياز كند، نه، هيچ موجودى نيست كه كسى را از خدا بى نياز كند، خدايى كه همه امور و اوامر به او منتهى مى‏شود، خداى عزيزى كه هرگز و تا ابد مغلوب كسى واقع نمى‏شود، خداى حكيمى كه هيچگاه دچار جهل نمى‏گردد.

" لِيَقْطَعَ طَرَفاً مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ ..." تا آخر آيات مورد بحث، حرف" لام" در اول آيه متعلق است به جمله‏" وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ"، و قطع طرف كنايه است از كم كردن عده و تضعيف نيروى كفار به كشتن و اسير گرفتن، همان طور كه ديديم در جنگ بدر اتفاق افتاد، مسلمانان هفتاد نفر را كشتند، و هفتاد نفر ديگر را اسير كردند، و كلمه" كبت" به معناى خوار كردن و به خشم در آوردن است.

و جمله:" لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْ‏ءٌ" جمله‏اى است معترضه، و فايده‏اش بيان اين معنا است كه: زمام مساله قطع و كبت بدست خداى تعالى است، و رسول خدا (ص) در آن دخالتى ندارد، تا وقتى بر دشمن ظفر يافتند و دشمن را دستگير نمودند او را مدح كنند و عمل و تدبير آن جناب را بستايند، و بر عكس اگر مثل روز احد از دشمن شكست خوردند و گرفتار آثار شوم شكست شدند آن جناب را توبيخ و ملامت كنند، كه مثلا امر مبارزه را درست تدبير نكردى، هم چنان كه همين سخن را در جنگ احد زدند، و خداى تعالى گفتارشان را حكايت كرده است.

و جمله:" أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ" عطف است بر جمله" يقطع ..."، و وقتى جمله معترضه:

" لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْ‏ءٌ" را كنار بگذاريم گفتار در دو آيه گفتارى است متصل، و چون در آيه مورد بحث سخن از توبه شد، در آيه بعدش امر توبه و مغفرت را بيان نموده و فرموده:" وَ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ ..." و معناى هر سه آيه اين است كه اين تدبير متقن از ناحيه خداى تعالى براى اين بود كه با قتل و اسير كردن كفار عده آنان را كم، و نيرويشان را تحليل ببرد، و يا براى اين بود كه ايشان را كبت كند، يعنى خوار و خفيف نموده تلاشهايشان را بى ثمر سازد، و يا براى اين كه موفق به توبه‏شان نموده و يا براى اين بود كه عذابشان كند، اما قطع و كبت از ناحيه خداى تعالى است، براى اين كه امور همه به دست او است نه به دست تو، تا اگر خوب از كار در آمد ستايش و در غير اين صورت نكوهش شوى، و اما توبه و يا عذاب به دست خدا است، براى اين كه مالك هر چيزى او است پس او است كه هر كس را بخواهد مى‏آمرزد و هر كه را بخواهد عذاب مى‏كند، و با اين حال مغفرت و رحمتش بر عذاب و غضبش پيشى دارد، پس او غفور و رحيم است.

و اگر ما جمله:" وَ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ ..." را در مقام تعليل براى هر دو فقره اخير يعنى جمله" او يتوب ..." گرفتيم، براى اين بود كه بيان ذيل آن يعنى جمله‏" يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ، وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشاءُ ..." اختصاص به آن دو فقره داشت،" در نتيجه مفاد آيه چنين مى‏شود":

" اللَّه يغفر لمن يشاء، و يعذب من يشاء، لان ما فى السماوات و الارض ملكه"[[6]](#footnote-6).

مفسرين در اتصال جمله:" لِيَقْطَعَ طَرَفاً ..." و همچنين در اينكه عطف جمله‏" أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ ..." به ما قبل چه معنايى مى‏دهد، و همچنين در اين كه جمله:" لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْ‏ءٌ" چه چيزى را تعليل مى‏كند، و جمله:" وَ لِلَّهِ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ ..." در مقام تعليل چه مطلبى است؟ وجوهى ديگر ذكر كرده‏اند كه ما از تعرض و بگومگوى در پيرامون آن صرف نظر كرديم، چون ديديم فايده‏اش اندك است" علاوه بر اين كه به فرض هم كه فايده‏اش چشم‏گير بود" با آنچه از ظاهر آيات به كمك سياق جارى در آن استفاده مى‏شود مخالفت داشت، و اگر از خوانندگان محترم كسى بخواهد با آن اقوال آگاه گردد بايد به تفسيرهاى طولانى مراجعه نمايد.[[7]](#footnote-7)

1. " سوره احزاب آيه: 9". [↑](#footnote-ref-1)
2. " سوره توبه آيه: 26". [↑](#footnote-ref-2)
3. پس خدا دعايتان را مستجاب كرد، و فرمود شما را با فرستادن هزار ملك پيوسته مدد خواهيم كرد." سوره انفال آيه: 9". [↑](#footnote-ref-3)
4. من فلانى را هنگام غروب خورشيد ديدم. [↑](#footnote-ref-4)
5. هنگام امتحان است كه آدمى رو سفيد مى‏شود و يا خوار مى‏گردد. [↑](#footnote-ref-5)
6. خداوند هر كه را بخواهد مى‏آمرزد، و هر كه را بخواهد عذاب مى‏كند، چون آنچه در آسمانها و زمين است ملك او است" مترجم". [↑](#footnote-ref-6)
7. طباطبايى، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامى - ايران - قم، چاپ: 5، 1374 ه.ش، **ج‏4    10**. [↑](#footnote-ref-7)